

سایه پرخاشگری و خشونت بر چهره اجتماع

چنانچه حوادث جنایی کشور را در سال 1400 مرور کنیم متوجه میشویم که وقایع جنایی کمی رخ نداده. آمارها به طور قطع و یقین حکایت از افزایش میزان جرایم کیفری دارند، اما نکته‌ای که ایجاد یک شوک عمیق اجتماعی کرده است ماجرای دیگریست؛ اینکه نحوه وقوع جرایم جنایی هم پله پله تغییرات عجیبی کرده است و درجه خشونت اجتماعی به میزان غیر قابل تصویری بالا رفته. به چند مورد از این وقایع اشاره کنیم.

21 آذر سال 1400 سه عضو یک خانواده به قتل رسیدند و 2 عضو دیگر آن مجروح شدند این ماجرا در شهرستان شوشتر استان خوزستان رخ داد که طبق آن شخصی مادر و خواهر و برادرش را به قتل رسانید و سلاح‌های سرد و گرم وی ضبط شدند.

شخصی که 5 عضو یک خانواده را به قتل رسانیده و 2 نفر دیگر را به گروگان گرفته بود که نهایتاً در شهرستان شیراز دستگیر شد. علت این ماجرا اختلاف بر سر ارث و میراث عنوان شده ماجرا در سال 1400 و در استان فارس رخ داده است.

قتل سه عضو یک خانواده به خاطر اختلاف در ارثیه در یکی از روستاهای شهرستان ملایر (استان همدان) بازهم در سال 1400 رخ داد. قاتل جوانی 34 ساله بود وی 2 برادر و مادر خود را به قتل رسانیده است.

23 شهریور ماه سال 1400 ماجرای دیگری رخ داد در شهرستان اهواز 4 نفر از عموهای یک طایفه به سمت خانواده برادرشان تیراندازی کردند که متأسفانه پدر و مادر و دختر و پسر خانواده به قتل رسیده و دیگر دختر خانواده که مجروح شده به بیمارستان منتقل شده است.

قتل عام وحشیانه در زاهدان بازهم در سال 1400 وقوع یافت و طی آن مردی 26 ساله با شلیک سلاح 8 نفر از اعضای یک خانواده شامل 2 زن و 3 پسر و 3 دختر را که کودک بودند به قتل رسانیده است.

در سال 1400 یک ماجرای دیگری رخ داد. قتل 5 عضو یک خانواده در سنندج که قاتل 42 ساله در روستاهای اطراف شهرستان سنندج با استفاده از سلاح شکاری همسر و پدر و مادر همسر و فردی دیگر را به قتل رساند و سپس خودش را هم کشت.

در این مورد ماجرای قتل [مونا حیدری](#) معروف به غزل از همه تکان‌دهنده‌تر و صدرنشین خشونت‌های اجتماعی در سال 1400 است جایی تاسف دارد که مرد جوانی بعد از قتل همسرش، سربریده‌اش را در دست گرفت و دور میدانی در اهواز جلوی چشم مردم چرخانید تا درجه خشونت و توحش را به حد اعلا رسانیده باشد... همین دو سه روز قبل در شهر آبدانان مردی 70 ساله با سلاح شکاری همسر بخت‌برگشته‌اش را کشته چرا و چگونه بماند ام‌ا خشونت در آنجا حضور داشت مثل همه موارد بالا.

خشونت اجتماعی



وقتی صحبت از این میشود که درجه [خشونت اجتماعی](#) بالا رفته و در راستای آن هم میزان جرایم کیفری افزایش یافته هم نوع جرایم کیفری تغییرات غیر قابل پیش‌بینی از خود بروز می‌دهند پس به‌طور قطع و یقین باید در پی ریشه‌یابی علل تشدید و افزایش خشونت اجتماعی در جامعه باشیم. با رشد خشونت در سطح اجتماع و حضور ماموران انتظامی در برخورد رخ به رخ و رو در رو با مردم میزان درگیری پلیس و مردم افزایش می‌یابد. ماجرای حمله بی‌محابا به طرف سرهنگ علی‌اکبر رنجبر افسر زحمتکش نیروی انتظامی استان فارس که یکی از همین موارد است با سلاح سرد هدف قرار گرفته و به قتل رسید. برای پایین آوردن شعله این معضل بزرگ اجتماعی چه راه‌حلهایی وجود دارد؟ برای اینکه به این سوال پاسخ بدهیم باید اول علل افزایش خشونت در جامعه را بررسی کنیم. اساساً خشونت اجتماعی به نوعی با پایین آمدن یا کاهش آستانه تحمل افراد در مقابله با وقایع اجتماعی رخ می‌دهد. در یک دسته‌بندی کلی‌تر آنچه سبب خشونت در روح و روان افراد جامعه میشود [بی‌عدالتی اجتماعی](#) است که پس‌زمینه آن گرانی، تورم افسارگسیخته، بیکاری روزافزون، فاصله بین طبقات اجتماعی و رفتاری‌های روزمره افراد جامعه است. در واقع مردم احساس می‌کنند ذخیره مالی آنها را به نوعی غارت کرده‌اند وقتی در عرض چندماه قیمت اجناس و اقلام مصرفی روزمره چند برابر معمول میشود مثلاً برنج

30 هزار تومانی سر از قیمت 70 هزار تومانی در می‌آورد. گوشت 20 هزار تومانی یک مرتبه 70 هزار تومانی می‌شود. وقتی درآمد افراد معادل با تورم و گرانی افزایش نمی‌یابد استرس ناشی از این شرایط خیره‌کننده کنترل فرد را مختل می‌کند و آستانه صبر و تحمل او را پایین می‌آورد. به برادر و خواهرش مراجعه می‌کند، ارث پدری را طلب می‌کند و آن را فوری می‌خواهد و چون با امروز فردا کردن آنها روبرو می‌شود سلاح برمی‌دارد 5 نفر اعضای خانواده را که عزیزان او هستند هدف گلوله قرار می‌دهد و بعد اسلحه را به شقیقه خود می‌گذارد و خودش را می‌کشد. وقتی مردم دارای اختلال روحی و روانی هستند، وقتی شبانه‌روز شرایط اقتصادی زندگی آنها و عزیزانشان را تحت فشار قرار می‌دهد راه حل اصلی برای درمان آن حتماً رفع موانع و حل آن پارامترهایی است که باعث خشم و خشونت می‌شوند. کنترل تورم، افزایش قدرت پول ملی، ایجاد شغل متناسب با تحصیل، فراهم آوردن زمینه ازدواج، تهیه مسکن مناسب و ایجاد قدرت خرید برای همه افراد و آحاد جامعه.

خشم که در درون همه انسان‌ها به عنوان یک گزینه وجود دارد به پرخاشگری تبدیل می‌شود و جنبه‌های کلامی (مثل فحش و عریضه و ناسزا و کلام زشت مثل صدای بلند...) یا روانی (اضطراب شدید و افسردگی توأم با عدم کنترل رفتار و کردار) یا (فیزیکی که حرکاتی چون زد و خورد ارتکاب جرایم را شامل می‌شود یا حتی خودزنی و خودکشی نظایر آن...) احساس عدم امنیت اقتصادی، شغلی و زندگی

وقتی سرپرست خانواده یا کسی که مسوول اداره خویش است نمی‌تواند از پس اداره امور زندگی خود و خانواده‌اش برآید وقتی شغل او متزلزل است و در حال از دست رفتن، یا اینکه اصلاً شغل ندارد و در فقر مطلق دست و پا می‌زند. وقتی آسودگی خاطر به زندگی‌ها برگردد طبیعتاً پرخاشگری و از میان رفتن آستانه تحمل در افراد جایش را به شادی و لبخند و مهربانی می‌دهد تا زندگی آرامی برای شهروندان ایجاد شود چاره اینست.

****حمیدرضا گودرزی / اعتماد / شماره 5178**